

خوانسالمار

گسترده باد خوان تو ای میزبان ما

کز خوان تست تغذیه روح و جان ما

نیرو بجسم ما ز توان تو می رسد

و بر نه توان کجا به تن ناتوان ما

تو در کرم ز حاتم طائی فزونتری

تو عقل رایگان دهی او لقمه نان ما

او نان دهد که خلق به درپوزگی برد

تو بر غنا و عزّ سپاری عنان ما

زیر بندگان به بانک سپارند شمش زیر

تو نقد عمر وقف کنی رایگان ما

هرکس به قدر فهم ترا ارج می نهد

قاصر بود ز وصف صفایت زیان ما

گرگ فساد رخنه نماید ز شش طرف

یک روز و شب اگر تو نباشی شبان ما

بی پرتو ضیاء فیوضات فکر تو

بدتر بود ز آغل حیوان جهان ما

روزی خدا نکرده اگر تو امان دهی

غول فساد و جهل ببرد امان ما